

## در سوگ کیارستمی

«و رفت تا لب هیچ/ و پشت حوصله نورها دراز کشید/ و هیچ فکر نکرد/ که ما میان پریشانی تلفظ درها/ برای خوردن یک سیب/ چه قدر تنها ماندیم».

عباس کیارستمی، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و عکاس برجسته معاصر، ساعاتی پیش بر اثر سکتة مغزی در پاریس درگذشت و به سوی بی سو پرواز کرد، از شنیدن این خبر اندوهگین شدم. هنوز دانش آموز دبیرستان بودم که با دیدن فیلم «خانه دوست کجاست؟»، کیارستمی را شناختم؛ آن روزگار نمی‌دانستم که سهراب سپهری شعری با همین عنوان در دفتر «حجم سبز» دارد. بعدها که به دانشگاه پای نهادم و «هشت کتاب» سپهری را مکرر در مکرر خواندم و دوباره «خانه دوست کجاست؟» را دیدم، به لطافت و صمیمیت و سادگی ژرف و بدیع این فیلم دل‌انگیز پی بردم. سال‌ها بعد، با دیدن فیلم‌های تحسین شده «طعم گیلان» و «باد ما را خواهد برد»، تاثیر عمیق سپهری بر سینمای کیارستمی را به عیان دیدم و نگاه شاعرانه، معنوی و انسانی کیارستمی در آثارش را بسیار پسندیدم و به سینمای او علاقه‌مند شدم...

در بیست سال گذشته، افزون بر «خانه دوست کجاست؟»، «طعم گیلان» و «باد ما را خواهد برد»؛ در میان آثار کیارستمی، فیلم‌های «فضیه شکل اول، شکل دوم»، «کلوزاپ»، «زندگی و دیگر هیچ»، «زیر درختان زیتون»، «ده» و «شیرین» را دیده و فراوان لذت برده‌ام. آری گفتن به زندگی و برکشیدن و جدی گرفتن آن، به رغم تمام تلخی‌ها، سردی‌ها، ناکامی‌ها، نامردمی‌ها و بادهای ناموافقی که در زندگی هر انسانی می‌وزد، خصوصاً در آثار «خانه دوست کجاست؟»، «زندگی و دیگر هیچ»، «زیر درختان زیتون» و «طعم گیلان» موج می‌زند و عبرت‌آموز است؛ که «زندگی چیزی نیست که لب طاقچه عادت از یاد من و تو برود».

چند وقت پیش با دیدن دوباره «طعم گیلان»، اوقاتم خوش شد و این فقرات شعر «جنبش واژه زیست» سهراب را زیر لب زمزمه کردم: «زندگی یعنی: یک سار پرید / از چه دلتنگ شدی؟ / دلخوشی‌ها کم نیست: مثلاً این خورشید / کودک پس فردا / کفتر آن هفته / یک نفر دیشب مرد / و هنوز، نان گندم خوب است / و هنوز، آب می ریزد پایین، اسب‌ها می‌نوشند».

چندی پیش، مقدمه داریوش شایگان بر مجموعه عکس‌های کیارستمی تحت عنوان «درهای خانه‌های متروک» را در کتاب «در جستجوی فضاها گمشده» خواندم و توضیحات شایگان درباره‌ی درهای کیارستمی در این مجموعه عکس‌ها که جملگی، درهای خسته و خراب و پوسته پوسته شده و فرتوت و فرسوده زمان‌اند، مرا به تأمل و درنگ درباره‌ی مفاهیم زمان و زوال و فنا واداشت و هم‌نورد افق‌های دور کرد. مشتاقم در اولین فرصت این مجموعه عکس‌ها را ببینم و افزون بر فیلم‌سازی، از هنر عکاسی کیارستمی نیز بهره‌مند شوم...

کیارستمی جزء معدود سینماگران ایرانی صاحب سبکی بود که از شهرت و اعتبار و اقبال بین‌المللی برخوردار بود؛ وی نام فرهنگ و هنر ایرانی را در جهان طنین‌انداز کرد و به سینمای ایران آبرو بخشید و با سفر بی‌بازگشتش، نامی نیک و میراثی ماندگار از خویش بر جای گذاشت. خدایش رحمت کند. ضایعه‌ی درگذشت او را به خانواده‌ی محترم کیارستمی و جامعه‌ی سینمایی و هموطنان عزیز فرهنگ دوست تسلیت می‌گویم:

دو چیز حاصل عمر است نیک و صواب

وز این دو درگذری کل من علیها فان